

شاید رویکرد او پس از سلفی گرفتن با پناهندگان برای ساخت رخدادی انسانی با آنها شایسته ستایش باشد، اما تأثیر کلی سیاست او مثبت نبود.

به علاوه تعلیق قوانین دوبلین چنان کارساز نبود که منجر به هجوم بزرگی باشد که در مارس ۲۰۱۵ آغاز شد. مهمتر از آن، شکست اروپا در بستن مسیر بالکان بود که در مارس ۲۰۱۶ اتفاق افتاد و جریان مردم از ترکیه به یونان را متوقف کرد و منجر به کاهش شدید غرق شدگان در دریا شد. بسیاری از مردم، چه پناهندگان واقعی و چه دیگران، دیگر سعی نکردند از ترکیه که به بیش از ۳٫۵ میلیون پناهنده پناه داده بود، عبور کنند.

با این حال، تعلیق قوانین دوبلین امتیاز آخری بود که دولت آلمان، همراه با سایر کشورهای حوزه بالکان عطا کردند و بدین ترتیب کنترل خود را بر مرزهای خود از دست دادند. اما این اجماع راه حل این هرج و مرج نبود. ورود گسترده مهاجران منجر به افزایش جنایات خشونت‌آمیز و سوءاستفاده گروه‌های تروریستی شد. این امر با بیکاری بالا در میان تازه واردان و نرخ بازگشت کم برای کسانی که از پناهندگی محروم شده بودند، همراه بود.

همه اینها چالش‌های پیچیده یکپارچه‌سازی را حتی سخت‌تر کرد و «مرکل» را واداشت، رویکردهای باز خود را کنار بگذارد. اما برای جلوگیری از سقوط سیاسی دیگر خیلی دیر بود.

منابع

New York Times, Brussels Report



GETTY IMAGES

این نارضایتی‌ها موجب حمایت بیشتر انتخاباتی از احزاب ضد نظام شد. همچنین مدیریت او در اروپای مرکزی و شرقی جای بسی آرزوها دارد. با وجود هشدارهای وزیر کشور فرانسه، دولت «مرکل» در سال ۲۰۱۵ ترجیح داد از کشورهای اروپای شرقی پیشی بگیرد و «سهمیه‌های اجباری پناهندگان» را در سطح اتحادیه اروپا اعمال کند.

هرج و مرج مهاجرت

در مورد مدیریت مرکل در بحران مهاجرت ۲۰۱۶-۲۰۱۵ بسیار شنیده‌ایم. هرچند «مرکل» در این رویداد محبوبیت زیادی بین مهاجران و مردم جهان کسب کرد اما اگر منصف باشیم، «دروازه‌های اروپا» مدت‌ها قبل از اینکه مرکل ادعای «ما می‌توانیم این بحران را مدیریت کنیم» مطرح کند، کاملاً باز بود. در واقع «مرکل» با این اقدام در مقابل بسیاری از اعضای حزب خود قرار گرفت. در اینجا یک چرخش آن چنانی دیگر از مرکل نشان داده می‌شود. در آگوست ۲۰۱۵، دولت او با استفاده از تبلیغات تلویزیونی به مردم آلبانی هشدار داد که به آلمان نیایند زیرا شانس آنها برای دریافت پناهندگی نزدیک به صفر است و سپس در همان ماه، دولت او تصمیم گرفت به اصطلاح قوانین دوبلین را تعلیق کند. این بدان معناست که بازگرداندن پناهجویان سوری به اولین بندر ورودی آنها در اتحادیه اروپا را متوقف می‌کند. چند ماه قبل از آن مرکل به دلیل برخورد خونسردانه‌اش با دختر پناهجوی فلسطینی که گریه کنان التماس می‌کرد در آلمان اقامت بگیرد، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته بود.

شجاعانه اما غیرمحبوب برای اصلاحات بازار کار بود. سیاست‌های «شرودر» تا پایان سال ۲۰۰۵ که «مرکل» صدراعظم شد، واقعاً توانست رقابت‌پذیری هزینه نیروی کار را احیا کند. این رقابت‌پذیری از آن زمان تاکنون ثابت مانده است. ثانیاً، بخش صادرات آلمان از سیاست‌های پولی انبساطی بانک مرکزی اروپا که قصد داشت نرخ بهره و همچنین نرخ مبادله یورو را پایین نگه دارد، به دلیل ضعیف بودن این نرخ مبادله‌ای سود برد. اما این به صادرکنندگان کمک کرد، اما به واردکنندگان و مصرف‌کنندگان لطمه زد. سرمایه‌گذاری خصوصی شرکت‌های کوچک و متوسط آلمانی نیز از سال ۲۰۰۶، حدود ۴۶ درصد کاهش یافته است، که این پدیده در سایر اقتصادهای غربی هم قابل مشاهده است و به دلیل جهانی شدن تا حدی به برون سپاری مرتبط است و احتمالاً نتیجه سرکوب مالی توسط بانک مرکزی اروپا است که «مرکل» آن را تحمل کرد و نه تنها به شدت به پس‌اندازکنندگان آسیب رساند، بلکه قیمت املاک و مستغلات آلمان را هم به سطوح بسیار درناکی رساند.

تضعیف هماهنگی اتحادیه اروپا

«مرکل» با وجود اینکه به عنوان «رهبر اتحادیه اروپا» شناخته می‌شد، دوستان زیادی در اتحادیه اروپا پیدا نکرد. سیاست‌های کمک مالی او در منطقه یورو به خشم در شمال به دلیل درخواست پرداخت برای انتقال و همچنین خشم در جنوب به دلیل شرایط مرتبط با این انتقال منجر شد.

در نگاهی به کارنامه «آنگلا مرکل» می بینیم که او جدا از خاطرات خوشی که برای مهاجران از خود به جا گذاشت، کارنامه ای همراه با برخی ناکامی های اقتصادی و سیاسی دارد و در واقع آلمانی ها در بدرقه با احساسی که از او داشتند، چشم بر اشتباه های داخلی او دوختند و موفقیت های درخشانش در عرصه سیاست خارجی را قدر نهادند.

مسدود کند، اما صدراعظم سابق آلمان با وجود برخی سوءظن‌های شدید، که شاهدش استعفای تعدادی از مقامات بلند پایه بانک فدرال این کشور در سال ۲۰۱۱ بود، تصمیم گرفت این کار را انجام ندهد. «مرکل» علاوه بر حمایت از کمک‌های مالی، از بانک مرکزی اروپا حمایت ضمنی کرد تا «هر کاری لازم است» برای زنده نگه داشتن اتحادیه پولی متزلزل انجام دهد. این اشتباه است که ادعا کنیم منطقه یورو بدون «مرکل» دوام نمی‌آورد. بسیاری از دول سیاسی غرب - بویژه در واشنگتن دی سی - از تجزیه منطقه یورو و سرایت غیرقابل پیش‌بینی‌ای که ایجاد می‌کرد، وحشت داشتند. بدین ترتیب «مرکل» طلایه-دار این تصمیم نهایی شد که از پول نقد مالیات دهندگان شمال اروپا برای پرداخت بهای اشتباه‌های سیاستمداران در جنوب اروپا - که سیاستمداران کشورهای شمال اروپا هیچ کنترلی بر آنها نداشتند - استفاده شود. «مرکل» چهره‌ای است که به بانک مرکزی اروپا اجازه می‌دهد تا قدرت خرید یورو را کاهش دهد تا سیاستمداران نتوانند سیاست‌های اصلاحی لازم را در پیش بگیرند.

سیاست‌های راهبردی انرژی آلمان

اغلب، تحسین کنندگان «آنگلا مرکل» تمایل دارند او را یک رهبر با ثبات و به دور از جنجال توصیف کنند که تمایلی به اتخاذ تصمیمات قهریه نداشته است. با این حال، نگاهی به «مرکل» واقعی، نوع متفاوتی از یک سیاستمدار را نشان می‌دهد. یک توصیف منفی می‌تواند این باشد که او نوعی آفتاب پرست نهیلیست و فرصت طلب است که هر لحظه آماده تغییر موضع دادن است و شاید یک توصیف مثبت‌تر این وضع را بتوان «عمل‌گرایی» نامید. در هر صورت «مرکل» واقعی، همان سیاستمداری است که در سال ۲۰۱۰ گفت تلاش‌ها برای ایجاد یک جامعه چند فرهنگی در آلمان «کاملاً شکست خورده است» تا چندی بعد به «محافظ پناهندگان» تبدیل شود!

قابل توجه‌ترین تغییر موضع «مرکل» در مورد سیاست انرژی است. او که یک فیزیکی‌دان مجرب است، همیشه حامی انرژی هسته‌ای بود، تا زمانی که مردم پس از فاجعه هسته‌ای فوکوشیما در مارس ۲۰۱۱ مخالف انرژی هسته - ای شدند. در این زمان بود که «مرکل» نیز تصمیم به حذف تدریجی انرژی هسته‌ای گرفت. نتیجه این تغییر عقیده قیمت بالای انرژی برای خانوارهای آلمانی بود.

رقابت اقتصادی آلمان

همانطور که گفته شد، اقتصاد آلمان در دوران ریاست جمهوری «مرکل» عملکرد نسبتاً خوبی داشت. با این حال، دلایل آن ارتباطی به او نداشت. اولاً این امر به علت «برنامه ۲۰۱۰» «گرهارد شرودر» بود که برنامه‌ای

[۱] قانون دوبلین، تأکید می‌کند پناهجویان باید در اولین کشور امنی که وارد شدند اعلام پناهندگی کنند و حق انتخاب کشور دیگری را ندارند. فقط افراد زیر سن قانونی شامل این قانون نمی‌شوند و تنها وقتی در کشورهای دیگری تقاضای پناهندگی داده باشند به آن کشور پس فرستاده می‌شوند. کسی که در یک یا چند کشور اروپایی اثر انگشت داشته باشد در هر کشور که تقاضای پناهندگی کند به اولین کشوری که در آنجا اثر انگشت داشته باشد، بازگردانده می‌شود. (ویکی‌پدیا)